

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال دوم شماره ۷ پائیز ۱۳۸۶

آکسی تیمیا و سبک‌های ابراز هیجان در خرده فرهنگ‌های ایرانی

دکتر علیرضا مرادی - دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران
مهناز شاهقلیان - کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه آکسی تیمیا و سه سبک ابراز هیجان شامل ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی و دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی در دانشجویان چهار خرده فرهنگ ایرانی (کرد، ترک، لر و فارس) است. گروه نمونه شامل ۲۰۰ دانشجوی کارشناسی (۵۰ دانشجوی کرد، ۵۰ دانشجوی ترک، ۵۰ دانشجوی لر و ۵۰ دانشجوی فارس) بود که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس از میان دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران انتخاب شدند. به منظور بررسی آکسی تیمیا از مقیاس آکسی تیمیای تورنتو و به منظور بررسی سبک‌های ابراز هیجان از پرسشنامه‌های ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی و دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی استفاده شد. نتایج نشان داد از لحاظ آکسی تیمیا و سه سبک ابراز هیجان تفاوت معناداری میان دانشجویان چهار خرده فرهنگ وجود ندارد. به عبارت دیگر، دانشجویان ایرانی صرف‌نظر از اینکه متعلق به کدام خرده فرهنگ کرد، ترک، لر یا فارس هستند در توانایی تشخیص و توصیف هیجان‌ها و نیز نوع سبک ابراز هیجان تفاوت ندارند.

واژگان کلیدی: آکسی تیمیا، ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی، دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی، خرده فرهنگ‌ها.

ریشه مفهوم آلکسی تیمیا به گزارشات بالینی اولیه در خصوص بیماران روان‌تنی باز می‌گردد. پژوهشگرانی که در زمینه اختلالات روان‌تنی فعالیت می‌کردند، ناتوانی ابراز احساسات و عدم دستیابی به زندگی درونی، احساسات و تخیلات را در این بیماران گزارش می‌دادند. در اوایل دهه ۷۰ سیفنئوس^۱ اصطلاح آلکسی تیمیا^۲ (به معنای فقدان واژه برای هیجان‌ها) را برای توصیف ویژگی‌های این افراد به کار برد (سالمین^۳ و سری جروی^۴، ۱۹۹۵). در طول سه دهه گذشته آلکسی تیمیا با ویژگی‌های (۱) دشواری در تشخیص احساسات و تمایز میان احساسات و حساسیت‌های بدنی ناشی از برانگیختگی‌های هیجانی، (۲) دشواری در توصیف احساسات برای دیگران، (۳) سبک-شناختی با جهت‌گیری خارجی و وابسته به محرک یا به عبارتی تفکر برون‌مدار و (۴) پردازش تصویری محدود و کاهش خیالپردازی تعریف شده است (پارکر^۵ و همکاران، ۲۰۰۵).

هر چند آلکسی تیمیا در ارتباط با بیماران روان‌تنی مطرح شد، اما به طور گسترده در پژوهش بر روی آزمودنی‌های سالم به کار رفت و با گستره متنوعی از مسایل مانند افسردگی (هنکالمپی^۶ و همکاران، ۲۰۰۰؛ هنتکا^۷ و همکاران، ۲۰۰۱)، اضطراب (دوین^۸ و همکاران، ۱۹۹۹؛ برتز^۹ و همکاران، ۱۹۹۹)، الکلیسم و سوء مصرف مواد، سبک زندگی فاقد تحرک، سوء تغذیه و عادات غذایی نادرست (هلمرز^{۱۰} و منت^{۱۱}، ۱۹۹۹)، هوش هیجانی (پارکر و همکاران، ۲۰۰۱؛ پالمر^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۲ و آستین^{۱۳} و همکاران، ۲۰۰۵) و افکار خودکشی (هنتکا و همکاران، ۲۰۰۴) همبستگی نشان داد.

در پیشینه پژوهش‌های مربوط به آلکسی تیمیا همواره سؤال مهمی مطرح شده و

1- Sifneos
3- Salminen
5- Parker
7- Hintikka
9- Berthoz
11- Mente
13- Austin

2- alexithymia
4- Saarijarvi
6- Honkalampi
8- Devin
10- Helmers
12- Palmer

همچنان مطرح می‌شود که آیا ساختار آلکسی تیمیا قابل تعمیم به فرهنگ‌های مختلف است؟ (پارکر و همکاران، ۲۰۰۵). بعد از مطرح شدن آلکسی تیمیا عده‌ای از پژوهشگران مانند ناپ^۱ و هوگان^۲ (۱۹۹۵/۱۹۸۱؛ به نقل از پارکر و همکاران، ۱۹۹۸) مفهوم آلکسی تیمیا را به طور کامل رد کردند و مدعی شدند ویژگی‌های نسبت داده شده به این ساختار می‌تواند از طریق مکانیسم‌های دفاعی توضیح داده شود. به عنوان مثال بنانو^۳ و سینگر^۴ (۱۹۹۰؛ به نقل از پارکر و همکاران، ۱۹۹۸) پیشنهاد کردند که آلکسی تیمیا بخشی از سبک کنار آمدن مکانیسم دفاعی واپس‌رانی و یا مشابه آن است، زیرا تمایل کمی برای تجربه کردن استرس‌های هیجانی با وجود افزایش برانگیختگی دستگاه عصبی خودکار وجود دارد. در مقابل پارکر و همکاران (۱۹۹۸) بیان کردند علیرغم وجود ارتباط قوی میان آلکسی تیمیا و سبک دفاعی، نمی‌توان مدعی شد که آلکسی تیمیا یک فرآیند دفاعی است، بلکه آلکسی تیمیا یک سازه چند بعدی است و ابعاد و ویژگی‌های ساختاری آن مانع استفاده از دفاع‌های بالیده و راهبردهای کنار آمدن انطباقی در مقابله با استرس‌ها می‌شود.

برخی پژوهشگران معتقدند به دلیل آن که آلکسی تیمیا از مشاهدات بالینی بر روی جمعیت‌هایی در اروپا و آمریکای شمالی، استنتاج شده است بنابراین آلکسی تیمیا سازه‌ای فرهنگ وابسته است که تنها خاص فرهنگ اروپا و آمریکای شمالی است و در واقع آلکسی تیمیا یک پدیده فرهنگی و اجتماعی است که منعکس‌کننده تأکید متخصصان مراقبت از سلامت اروپا و آمریکای شمالی بر درون‌نگری و تفکرات روان‌شناختی است (کرمایر^۵، ۱۹۸۷). در مقابل پژوهشگران دیگری مانند دیون^۶ (۱۹۹۶)، برنام^۷ و همکاران (۲۰۰۲) و پاندی^۸ و همکاران (۱۹۹۶) در پژوهش‌های جداگانه نشان داده‌اند که آلکسی تیمیا در فرهنگ‌های مختلف دیده می‌شود. دیون

1- Knapp
3- Bonanno
5- Kirmayer
7- Berenbaum

2- Hogan
4- Singer
6- Dion
8- Pandey

(۱۹۹۶) نشان داد، دانشجویان چینی نمرات بالاتری را نسبت به دانشجویان اروپایی در نمره کلی آکسی تیمیا و خرده مقیاس‌های آن کسب می‌کنند. همچنین در مطالعه او دانشجویان انگلیسی‌زبانی که اصالتاً ملیت انگلیسی نداشتند در مقایسه با دانشجویان انگلیسی‌زبانی که ملیت انگلیسی داشتند، نمرات بالاتری را در مقیاس آکسی تیمیا و خرده مقیاس دشواری در توصیف هیجان‌ات کسب کردند. برنهام و همکاران (۲۰۰۲) آکسی تیمیا را در سه فرهنگ آمریکایی‌های اصالتاً اروپایی، آمریکایی‌های اصالتاً آسیایی و دانشجویان مالزیایی بررسی کردند. دانشجویان مالزیایی جزء فرهنگ آسیایی به حساب می‌آیند. هر دو گروه آسیایی سطوح آکسی تیمیای بیشتری را از گروه اروپایی نشان دادند. نتایج پژوهش پانندی و همکاران (۱۹۹۶) نیز از اعتبار سازه آکسی تیمیا در فرهنگ هند حمایت کرد. این پژوهشگران پیشنهاد کردند که مطالعات بعدی باید بر خرده فرهنگ‌های هندی متمرکز شود. در ایران قربانی و همکاران (۲۰۰۲) اعتبار مقیاس اندازه‌گیری آکسی تیمیا را در نمونه‌ای غیربالیینی (دانشجویان) و محمد (۱۳۸۰) در نمونه‌ای بالینی (زنان و مردان مبتلا به کولیت اولسروز) گزارش دادند.

آکسی تیمیا عدم توانایی در ارزیابی و ابراز هیجان‌هاست و هنجارهای هر فرهنگ ممکن است به طور متفاوتی ابراز هیجان‌ها را تشویق یا توقیف کنند. فرزین^۱ (۱۹۷۲)؛ به نقل از فام^۲، (۲۰۰۰) به گروهی از دانشجویان آمریکایی و گروهی از دانشجویان ژاپنی در دو موقعیت فردی و گروهی فیلم ترسناکی را نشان داد، در شرایط فردی هم دانشجویان ژاپنی و هم دانشجویان آمریکایی هیجان‌های منفی را نشان دادند ولی به هنگام حضور آزمایشگر، دانشجویان ژاپنی برای مخفی کردن هیجان‌های منفی خود لبخند می‌زدند، در حالیکه آمریکایی‌ها به ابراز عواطف منفی خود ادامه می‌دادند. فرزین نتیجه گرفت اصولی که بر نحوه ابراز هیجان به گونه‌ای مقبول از نظر اجتماعی حاکم است در دو فرهنگ آمریکایی و ژاپنی متفاوت است. گلمن^۳ (۱۹۹۵) معتقد است به

1- Frisen
3- Golman

2- Pham

حداقل رساندن ابراز احساسات در حضور افراد مافوق یک هنجار ژاپنی است. این دانشجویان زمانی که ناراحتی خود را زیر چهره‌ای مصنوعی پنهان می‌ساختند از این هنجار پیروی می‌کردند. به عبارت دیگر جمع‌گرایی فرهنگ‌های آسیایی می‌تواند بر ابراز، عدم ابراز و کنترل هیجانی افراد اثر بگذارد. جایگزین کردن یک احساس به جای احساسی دیگر را می‌توان در فرهنگ‌های آسیایی مشاهده کرد. در واقع قانونی بدین شکل حاکم است، وقتی احساسات واقعی شما فردی را آزرده خاطر می‌سازد، سرپوشی بر آنها بگذارید و یک احساس دیگر را جایگزین آنها کنید.

می‌توان گفت توانایی ابراز، افزون بر ابعاد شخصیتی فرد به ارزش‌های فرهنگی که فرد به آن تعلق دارد نیز بستگی دارد. در یک فرهنگ جمع‌گرا که خود^۱ در رابطه با دیگران تعریف می‌شود شاید فروتنی، شکیبایی، تلاش برای پیوند با دیگران و پاسداری از پیوندهای دوستانه و سازگاران به بیش از ابراز ارزش داشته باشد (شوئدر^۲ و همکاران، ۱۹۹۷). خود در چنین فرهنگی وابسته، اجتماع‌مدار، ارتباطی و هم‌آهنگ با دیگران، بردبار، پاسخ‌گوی درخواست‌ها، احساسات و پسندهای دیگران و نگران درباره همسان گشتن با آنها است. مارکوس^۳ و کیتایاما^۴ (۱۹۹۱) معتقدند در فرهنگ‌های فردگرا باور بر این است که فرد باید مستقل باشد. خود در این چنین فرهنگی، پایدار و استوار، خودبسنده، متأثر از صفات، پسندها و هدف‌های فردی، روشن و راستگو و بیان‌کننده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، فرهنگی که افراد در آن زندگی می‌کنند، سنت‌ها، زبان و جهان‌بینی آن فرهنگ بر فرآیندهای روانی آنان اثر می‌گذارد (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۱). تنها با به رسمیت شناختن فرهنگ افراد می‌توان به نحو مؤثرتری آنها را درک کرد. از این رو باید در مطالعه کارکردهای رفتاری و روانشناختی افراد بافت فرهنگی همواره با دقت مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی و

1- self
3- Markus

2- Shweder
4- Kitayama

مقایسه آلکسی تیمیا و سه سبک ابراز هیجان در چهار خرده فرهنگ ایرانی کرد، ترک، لر و فارس انجام گرفت. به عبارت دیگر پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا به لحاظ آلکسی تیمیا، ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی و دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی در میان دانشجویان کرد، ترک، لر و فارس تفاوت معنا دار وجود دارد؟

روش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانشجویان کارشناسی مشغول به تحصیل در دانشگاه تربیت معلم تهران در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ بود. از میان این جامعه آماری ۵۰ دانشجوی کرد، ۵۰ دانشجوی ترک، ۵۰ دانشجوی لر و ۵۰ دانشجوی فارس به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. میانگین سنی دانشجویان کرد (۲۲/۱۳) (۱/۸۶) SD، دانشجویان ترک (۲۲/۰۳) (۲/۰۶) SD، دانشجویان لر (۲۲/۶۳) (۲/۳۴) SD و دانشجویان فارس (۲۰/۷۳) (۱/۴۵) SD بود. جدول ۱ توزیع گروه نمونه پژوهش را بر حسب جنسیت نشان می‌دهد.

جدول (۱) توزیع گروه نمونه پژوهش

جمع	فارس	لر	ترک	کرد	خرده فرهنگ / جنسیت
۱۰۶	۲۵	۲۶	۲۸	۲۷	زن
۹۴	۲۵	۲۴	۲۲	۲۳	مرد
۲۰۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	جمع

ابزارهای اندازه‌گیری

در این پژوهش از چهار پرسشنامه استفاده شد.

۱- مقیاس آلکسی تیمیای تورنتو^۱ (TAS): این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط تایلور ساخته شد و در سال ۱۹۹۴ توسط بگی و همکارانش تجدیدنظر گردید. این مقیاس شامل ۲۰ ماده در سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص احساسات (۷ ماده)، دشواری در توصیف احساسات (۵ ماده) و تفکر برون‌مدار (۸ ماده) است. در این مقیاس نمره بالاتر نشان‌دهنده آلکسی تیمیای بالاتر می‌باشد. قربانی و همکاران (۲۰۰۲) آلفای این مقیاس را در نمونه ایرانی، برای دشواری در تشخیص احساسات ۰/۷۴، برای دشواری در توصیف احساسات ۰/۶۱ و برای تفکر برون‌مدار ۰/۵۰ بدست آورده‌اند. محمد (۱۳۸۰) اعتبار کل مقیاس را با استفاده از روش دو نیمه کردن و آزمون مجدد ۰/۷۴ و ۰/۷۲ و روایی مقیاس را ۰/۸۵ به دست آورده است.

۲- پرسشنامه ابرازگری هیجانی^۲ (EEQ): این پرسشنامه توسط کینگ^۳ و امونز^۴ (۱۹۹۰) طراحی شد و ۱۶ ماده در سه زیرمقیاس ابراز هیجان مثبت (۷ ماده)، ابراز صمیمیت^۵ (۵ ماده) و ابراز هیجان منفی (۴ ماده) دارد. در این پرسشنامه نمره بالاتر، بیانگر ابرازگری هیجانی بالاتر است. رفیعی نیا (۱۳۸۰) ضریب آلفای کرنباخ را برای کل مقیاس ۰/۶۸ و برای زیر مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۵۹ و ۰/۶۸ بدست آورده است. کینگ و امونز (۱۹۹۰) به منظور بررسی روایی همگرا^۶، بین پرسشنامه EEQ و «مقیاس عاطفه مثبت برادبرن^۷» همبستگی مثبت معنادار یافتند.

۳- پرسشنامه کنترل هیجانی^۸ (ECQ): راجر^۹ و نشوور^{۱۰} (۱۹۸۷) ساختار اولیه پرسشنامه کنترل هیجانی را تنظیم و راجر و نجاریان^{۱۱} (۱۹۸۹) این پرسشنامه را تجدید نظر نمودند که پرسشنامه تجدید نظر شده در پژوهش حاضر استفاده گردید. این پرسشنامه ۵۶ ماده در چهار زیرمقیاس بازداری هیجانی^{۱۲} (۱۴ ماده)، کنترل

1- Twenty-Item Toronto Alexithymia Scale (TAS)
3- King
5- intimacy
7- Braudburm Positive Affect Scale
9- Roger
11- Najarian

2- Emotional Expressiveness Questionnaire (EEQ)
4- Emmons
6- convergent validity
8- Emotional Control Questionnaire (ECQ)
10- Neshsoever
12- emotional inhibition

پرخاشگری (۱۴ ماده)، نشخوار^۱ (۱۴ ماده) و کنترل خوش‌خیم^۲ (۱۴ ماده) دارد. در این پرسشنامه نمره بالاتر بیانگر کنترل هیجانی بالاتر است. رفیعی نیا (۱۳۸۰) ضریب آلفای کرنباخ را برای کل مقیاس ۰/۶۸ و برای زیر مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۶، ۰/۷۷ و ۰/۵۸ به دست آورده است. راجر و نجاریان (۱۹۸۹) بین نشخوار و روان‌رنجورخویی «پرسشنامه شخصیتی آیزنگ^۳» همبستگی مثبت معنادار، بین کنترل پرخاشگری و «پرسشنامه خصومت باس-دارک^۴»، بین بازداری هیجانی و برونگرایی پرسشنامه شخصیتی آیزنگ و بین کنترل خوش‌خیم و روان‌پیش‌گرایی پرسشنامه شخصیتی آیزنگ همبستگی منفی معنادار یافتند.

۴- پرسشنامه دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی^۵ (AEQ): این پرسشنامه به وسیله کینگ و امونز (۱۹۹۰) طراحی شد و ۲۸ ماده در دو زیر مقیاس دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت (۱۶ ماده) و دوسوگرایی در ابراز استحقاق^۶ (۱۲ ماده) دارد. در این پرسشنامه هم نمره بالاتر بیانگر دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی بالاتر است. رفیعی نیا (۱۳۸۰) ضریب آلفای کرنباخ را برای کل مقیاس ۰/۸۷ و برای زیر مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۷ به دست آورده است. کینگ و امونز (۱۹۹۰) به منظور بررسی روایی همگرا، بین پرسشنامه AEQ و پرسشنامه افسردگی بک همبستگی مثبت معنادار یافتند.

داده‌های پژوهش به کمک روش‌های آمار توصیفی و تحلیل واریانس یک طرفه تحلیل شد.

یافته‌ها

داده‌های توصیفی در ارتباط با آلکسی تیمیا و زیر مقیاس‌های آن در چهار گروه کرد، ترک، لر و فارس در جدول ۲ نشان داده شده است.

1- rumination

3- Eysenck Personality Questionnaire (EPQ)

5- Ambivalence Over Emotional

Expressiveness Questionnaire (AEQ)

2- benign control

4- Buss-Durkee Hostility Inventory

6- entitlement expressiveness

جدول (۲) میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی‌ها در آلکسی تیمیا

آلکسی تیمیا		تفکر برون مدار		دشواری در توصیف احساسات		دشواری در تشخیص احساسات		ملاک‌ها شاخص‌ها گروه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۱۰/۹۳	۵۰/۲۳	۴/۲۴	۲۰/۰۳	۲/۹۳	۱۳/۷۰	۵/۴۰	۱۶/۵۰	کرد
۹/۵۲	۴۷/۹۳	۳/۸۱	۱۹/۵۸	۳/۷۴	۱۱/۹۳	۵/۸۰	۱۶/۴۱	ترک
۹/۸۶	۵۴/۷۶	۳/۰۷	۲۱/۴۱	۴/۳۱	۱۴/۲۹	۶/۶۸	۱۹/۰۵	لر
۱۰/۶۷	۵۳/۳۱	۳/۷۸	۲۰/۵۷	۴/۳۶	۱۴/۶۲	۵/۹۷	۱۸/۱۱	فارس

با توجه به جدول ۲، بیشترین میانگین آلکسی تیمیا در دانشجویان لر (۵۴/۷۶) و کمترین میانگین آن در دانشجویان ترک (۴۷/۹۳) دیده می‌شود. نتایج تحلیل واریانس یکطرفه تفاوت معناداری در میزان آلکسی تیمیا میان چهار گروه نشان نداد (جدول ۳). تحلیل واریانس یک طرفه برای خرده مقیاس‌های آلکسی تیمیا نیز تفاوت معناداری میان گروه‌ها نشان نداد.

جدول (۳) تحلیل واریانس یک طرفه بین نمرات چهار گروه در آلکسی تیمیا

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	شاخص‌ها منبع تغییر
ns	۲/۳۸	۳۱۲/۷۲۴	۹۳۸/۱۷۲	۳	بین گروه‌ها
		۱۳۱/۳۹۶	۲۵۷۵۳/۷۴	۱۹۶	درون گروه‌ها
			۲۶۶۹۱/۹۱۲	۱۹۹	کل

میانگین نمرات چهار گروه کرد، ترک، لر و فارس در سه سبک ابراز هیجان و خرده مقیاس‌های آنها به شرح زیر است.

بیشترین میانگین ابرازگری هیجانی در دانشجویان ترک (۵۳/۴۸) و کمترین میانگین در دانشجویان کرد (۵۲/۰۶) دیده می‌شود. بیشترین میزان ابراز هیجان مثبت در دانشجویان فارس (۲۳/۱۳)، بیشترین میزان ابراز صمیمیت در دانشجویان ترک

(۱۷/۹۶) و بیشترین میزان ابراز هیجان منفی در دانشجویان فارس (۱۳/۱۵) دیده می‌شود.

بیشترین میانگین کنترل هیجانی در دانشجویان فارس (۳۰/۲۸) و کمترین آن در دانشجویان لر (۲۸/۳۸) دیده می‌شود.

بیشترین میانگین دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی در دانشجویان لر (۸۹/۳۲) و کمترین آن در دانشجویان ترک (۸۴/۰۰) دیده می‌شود.

نتایج تحلیل واریانس تفاوت معناداری میان چهار گروه در سبک‌های ابراز هیجان نشان نداد (جدول ۴). برای هیچکدام از خرده مقیاس‌های سبک‌های ابراز هیجان هم تفاوت معناداری میان چهار گروه کرد، ترک، لر و فارس به دست نیامد.

جدول (۴) تحلیل واریانس یک طرفه بین نمرات افراد گروه‌ها در سبک‌های ابراز هیجان

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	شاخص‌ها منبع تغییر	سبک‌های ابراز هیجان
ns	۰/۲۱۴	۱۴/۷۳۵	۴۴/۲۰۶	۳	بین گروه‌ها	ابرازگری هیجانی
		۶۸/۷۶۶	۱۳۴۷۸/۱۳۶	۱۹۶	درون گروه‌ها	
ns	۰/۸۳۳	۲۷/۰۴۵	۸۱/۱۳۵	۳	بین گروه‌ها	کنترل هیجانی
		۳۲/۴۳۸	۶۳۵۷/۸۴۸	۱۹۶	درون گروه‌ها	
ns	۱/۱۸۰	۲۵۷/۵۴۵	۷۷۲/۶۳۶	۳	بین گروه‌ها	دوسوگرایی در ابرازگری هیجانی
		۲۱۸/۲۵۱	۴۲۷۷۷/۱۹۶	۱۹۶	درون گروه‌ها	

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ذکر شد هدف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه آلکسی تیمیا و سه سبک ابراز هیجان در میان دانشجویان ایرانی از چهار خرده‌فرهنگ کرد، ترک، لر و فارس بود. نتایج پژوهش نشان داد، دانشجویان ایرانی صرف‌نظر از زبان اولی که به آن تکلم

می‌کنند و خرده‌فرهنگی که در آن بزرگ شده‌اند در توانایی تشخیص و توصیف هیجان‌ها (آلکسی تیمیا) و نوع سبک ابراز هیجان (ابرازگری، کنترل و دوسوگرایی در ابرازگری) تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. در تبیین نتایج ابتدا باید به مفهوم فرهنگ و خرده فرهنگ و ارتباط این دو با هم اشاره کرد.

مفهوم وسیع و گسترده فرهنگ شیوه‌های کلی زندگی مردم در هر جامعه را شامل می‌شود. فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از موارث اجتماعی قابل تغییر یا به عبارتی هر آنچه که در یک جامعه معین کسب می‌کنیم، می‌آموزیم و انتقال می‌دهیم. بنابراین فرهنگ واقعی‌تری است که انسان‌ها با آن زندگی می‌کنند، جزئی از محیط اجتماعی است که ساخته انسان است و به ساخت انسان کمک می‌کند (فرجاد، ۱۳۷۶). خرده فرهنگ^۱ را می‌توان گروهی کوچکتر دانست که هر چند دارای ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های زندگی خاص خود می‌باشد، اما در عین حال به فرهنگ بزرگتر وابستگی دارد. دو بخش مهم هر فرهنگ یا خرده‌فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارها می‌باشند. هنجارها الگوهای استاندارد شده رفتار هستند که براساس ارزش‌ها شکل می‌گیرند و تعیین می‌کنند که انسان چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند، چه اعمالی را انجام دهد و از انجام کدام اعمال دوری گزیند و به همین دلیل است که هر کس می‌کوشد تا رفتار خود را با هنجارهای اجتماع سازگار کند تا او را به عضویت بپذیرند. بنابراین اعضای هر خرده فرهنگ نیز تمایل دارند قوم‌مدار^۲ باشند (ستوده، ۱۳۸۰)، با این وجود یک خرده‌فرهنگ بسیاری از هنجارها و موازین فرهنگ بزرگ‌تر را می‌پذیرد. اعضای خرده‌فرهنگ از جامعه وسیع‌تر جدا نیستند، هر چند خرده فرهنگ از فرهنگ کل جامعه متمایز است و برخی هنجارها و موازین خاص خود را دارد اما بسیاری از شیوه‌های زندگی فرهنگ‌های پیرامون خود را می‌پذیرد (کوئن، ۱۳۸۰). خرده‌فرهنگ غالب در ایران خرده فرهنگ فارس است. به لحاظ جغرافیایی این خرده‌فرهنگ در مجاورت تمامی خرده فرهنگ‌های دیگر ایرانی مانند کرد، ترک و لر استقرار یافته است. خرده‌فرهنگ‌ها

1- subculture

2- ethnocentrism

در ایران علیرغم متمایز بودن در هم آمیخته‌اند که عواملی مانند موقعیت جغرافیایی استان‌ها نسبت به همدیگر، مهاجرت، وجود دین واحد، روحیه جمع‌گرایی، تلویزیون به عنوان یک رسانه جمعی و ... هر کدام در این در هم آمیختگی نقش دارند.

در هر فرهنگ یا خرده فرهنگ افراد از همان کودکی یاد می‌گیرند که رفتار ابرازگرشان را با فرهنگ یا عقاید خرده فرهنگ راجع به آنچه از لحاظ اجتماعی مناسب است تطبیق دهند. در واقع ابرازگری هیجانی افراد از همان کودکی به خوبی با تقاضاهای فرهنگی و جنسیتی آنها متناسب می‌شود (سارنی^۱، ۱۹۹۹)، با این وجود مید^۲ (۱۳۸۵) معتقد است این توقع که فرزندان از والدین خود بگیرند یا از آنها فراتر بروند (همانطور که خود آن والدین چنین کرده‌اند) جزئی از فرهنگ است. محمد اسماعیل (۱۳۸۴) نشان داد تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی در مقایسه با دانشجویان هندی بیشتر برون‌گرای حسی است تا برون‌گرای شهودی. بر طبق نظر یونگ، افراد حسی خود را با انواع مردم و شرایط متغیر سازگار می‌کنند، زیرا به اجتماعی بودن تمایل دارند. این افراد به جستجوی تجربه‌های جدید می‌پردازند. بنابراین دور از انتظار نیست اگر فرزند جوان یک پدر و مادر کرد یا ترک یا لر که با قبولی در دانشگاه از والدین و محل سکونت خود فاصله گرفته و وارد محیطی شده که دانشجویانی از مناطق مختلف جغرافیایی و از خرده فرهنگ‌های مختلف کنار یکدیگر به فعالیت مشابهی مشغولند فرصت شناختن را از دست ندهد، تأثیر بگذارد و تأثیر بپذیرد. به اعتقاد کوئن (۱۳۸۰) استعداد بسیار تکامل یافته انسان در برقراری ارتباط اکتساب فرهنگ را آسان و انتقال آن را ممکن می‌کند. البته نباید انتظار داشت که همه یکسان عمل کنند. میان افراد با توجه به خرده فرهنگ‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، تفاوت وجود دارد چرا که کمیت و کیفیت آموزش‌ها از یک خرده فرهنگ به خرده فرهنگ دیگر متفاوت است.

به کارگیری روش نمونه‌گیری در دسترس و حجم کم آزمودنی‌های چهار گروه از

1- Saarni

2- Mead

محدودیت‌های پژوهش حاضر به شمار می‌روند. پیشنهاد می‌شود در بررسی‌های آینده نمونه بزرگتری مورد بررسی قرار گیرد و پژوهش بر روی آزمودنی‌های غیردانشجو و بر افراد غیرتحصیل‌کرده بومی استان‌های کردنشین، ترک‌نشین و لرنشین و فارس نشین یا بر روی دانشجویانی از خرده فرهنگ‌های فوق که در دانشگاه‌های استان‌های خود مشغول تحصیل هستند انجام شود.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۸۴/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۸۶/۶/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۸/۷

References

منابع

- اتکینسون، ری‌تال و همکاران. (۱۳۸۱). زمینه روانشناسی هیلگارد. ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
- رفیعی‌نیا، پروین. (۱۳۸۰). رابطه سبک‌های ابراز هیجان با سلامت عمومی در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- فرجاد، محمد حسین. (۱۳۷۶). اصول و مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات اساطیر.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- محمداسماعیل، الهه. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه شانزده تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و پنجم، شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۲۱.
- محمد، سعید. (۱۳۸۰). بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلا به کولیت اولسروز و مقایسه آن با افراد سالم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی تهران.
- مید، مارگارت. (۱۳۸۵). فرهنگ و تعهد (پژوهشی درباره شکاف نسل‌ها). ترجمه عبدالعلی دست‌غیب. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- Austin, E.J., Saklofske, D. H., & Egan, V. (2005). Personality, well-being and health correlates of trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*. 38, 547-558.
- Bagby, R.M., Parker, J.D.A., & Taylor, G.J. (1994). The twenty-item Toronto alexithymia scale-I, item selection and cross-validation of the factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*. 38(1), 23-32.

- Berenbaum, H., Raghavan, C., & Le, H.N. (2002). Culture and alexithymia: mean levels, correlates, and the role of parental socialization of emotions 1, 2. *Emotion*, 2(4), 341-360.
- Berthozé, S., Consoli, S., Peterz-Diaz, F., & Jouvent, R. (1999). Alexithymia and anxiety: Compounded relationships? *A psychometric study. European Psychiatry*, 14(7), 372-378.
- Devine, H., Stewart, S.H., & Watt, M. C. (1999). Relations between anxiety sensitivity and dimensions of Alexithymia in a young adult sample. *Journal of Psychosomatic Research*, 47(2), 145-158.
- Dion, K.L. (1996). Ethnolinguistic Correlates of Alexithymia: Toward a Cultural Perspective. *Journal of Psychosomatic Research*, 41(6), 531-539.
- Ghorbani, N., Bing, M.N., Watson, P.J., Davison, H.K., & Mack, D.A. (2002). Self-reported emotional intelligence: Construct similarity and functional dissimilarity of higher-order processing in Iran and United-States. *International Journal of Psychology*, 37(5), 297-308.
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*. New York: Bantam Books.
- Helmers, K.F., & Mente, A. (1999). Alexithymia and health behaviors in healthy male volunteers. *Journal of Psychosomatic Research*, 47(6), 635-645.
- Hintikka, J., Honkalampi, K., Lehtonen, J., & Viinamaki, H. (2001). Are alexithymia and depression distinct or overlapping constructs: A study in a general population. *Comprehensive Psychiatry*, 42(3), 234-239.
- Hintikka, J., Honkalampi, K., Koivumaa-Honkanen, H., Antikainen, R., Tanskanen, A., Haatainen, K., & Viinamaki, H. (2004). Alexithymia and suicidal ideation: A 12-month follow-up study in a general population. *Comprehensive Psychiatry*, 45(5), 340-345.
- Honkalampi, K., Hintikka, J., Tanskanen, A., Lehtonen, J., & Viinamaki, H. (2000). Depression is strongly associated with alexithymia in the general population. *Journal of Psychosomatic Research*, 48, 99-104.

- King, L.A., Emmons, R.A. (1990). Conflict over emotional expression: Psychological and physical correlates. *Journal of Personality and Social Psychology*. 58(5), 864-877.
- Kirmayer, L.J. (1987). Languages of suffering and healing: Alexithymia as a social and cultural process. *Transcultural Psychiatric Research Review*. 24, 119-136.
- Markus, H.R., & Kitayama, S. H. (1991). Culture and the self: Implication for cognition, Emotion, and motivation. *Psychological Review*. 98(2), 224-253.
- Palmer, B., Donaldson, C., & Stough, C. (2002). Emotional intelligence and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*. 33, 1091-1100.
- Pandey, R., Mandal, M. K., Taylor, G.J., & Parker, J.D.A. (1996). Cross-cultural alexithymia: Development and validation of a Hindi translation of the 20-item Toronto alexithymia scale. *Journal of Clinical Psychology*. 52 (2), 173-176.
- Parker, J. D. A., Taylor, G. J., & Bagby, R. M. (2001). The Relationship between emotional intelligence and alexithymia. *Personality and Individual Differences*. 30, 107-115.
- Parker, J.D.A., Taylor, G.J., & Bagby, R.M. (1998). Alexithymia: relationship with ego defense and coping styles. *Comprehensive Psychiatry*. 39(2), 91-98.
- Parker, J.D.A., Shaughnessy, P.A., Wood, L.M., Majeski, S.A., & Eastabrook, J. M. (2005). Cross-cultural alexithymia validity of the 20-item Toronto alexithymia scale in North American aboriginal populations. *Journal of Psychosomatic Research*. 58, 83-88.
- Pham, T. (2000). The Influence of gender and culture on relationship between emotional control and well-being. *The Berkeley McNair Research Journal*. 99-114.
- Roger, D., & Najarian, B. (1989). The Construction and validation of a new scale for measuring emotion control. *Personality and Individual Differences*. 10(8), 845- 853.
-

- Roger, D. & Nesselroever, W. (1987). The Construction and preliminary validation of a scale for measuring emotion control. *Personality and Individual Differences*. 8(4), 527-534.
- Saarni, C. (1999). *The Development of Emotional Competence*. New York: The Guilford Press.
- Salminen, J., & Saarijarvi, S. (1995). Two decades of alexithymia. *Journal of Psychosomatic Research*. 39(7): 803-807.
- Shweder, R., Goodnow, J., Hatano, G., Levine, R., Markus, H., & Miller, P. (1997). The Cultural psychology of development: One mind, many mentalities. In W. Damon & R. M. Lerner, *Handbook of Child Psychology. Vol 1: Theoretical Models of Human Development*, (5th Ed).